



بررسی فقهی

رؤیت هلال ماه

در مذاهب اسلامی و روایات

عبداللطیف قول لر عطا (طلبه فارغ التحصیل از حوزه عرفانی سارلی مختوم - گنبد کاووس) - از اهل سنت



چکیده

حلول ماه قمری برای به جا آوردن تکالیف فردی و اجتماعی لازم است. زیرا انجام پاره‌ای از احکام و تکالیف فردی و اجتماعی مانند روزه گرفتن، شب قدر، روزه گشودن، عید فطر، حج گزاردن، وقوف در عرفات و مشعر، عید قربان و... منوط به احراز آغاز و پایان ماه قمری است. از طرفی اختلاف و تفرقه مسلمانان در انجام اعمال و وظایف دینی و برگزاری مراسم بسیار مهم اسلامی موجب بروز مشکلاتی در امت اسلامی می‌شود. در نوشتار حاضر دیدگاه فقیهانی که بر خلاف نظر مشهور قائل به تعمیم ثبوت رؤیت هلال ماه اند مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش هم آراء فقیهان و محدثان متقدم و هم نظرات فقهای معاصر و دیدگاه فقهای مذاهب چهارگانه بیان گردیده و در نهایت شواهد و مؤیداتی بر صحت قول به تعمیم رؤیت هلال ماه بر آورده شده است. واژگان کلیدی: رؤیت هلال، تعمیم، ثبوت، فقیهان.

مقدمه

بسیاری از تکالیف فردی و اجتماعی، چه واجب و چه مستحب، بستگی به رؤیت هلال ماه و ثبوت آغاز و پایان آن دارد مانند روزه ماه مبارک رمضان، عید فطر، وقوف در عرفات در روز نهم ذی حجه، وقوف در مشعر در شب دهم ذی حجه، بیتوته در سرزمین منی در شب‌های یازدهم و دوازدهم ذی حجه، اعمال روز عید قربان و... (امام خمینی، ج ۱، صص ۴۵۵-۴۴۰)

«قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (بقره: ۱۸۹)

علاوه بر این، ماه‌های قمری، نقش بنیادی در تنظیم و تعیین اموری چون: مدت حمل (احقاف:



۵) مدت شیردهی کودکان (احقاف: ۵) زمان یائسگی، (امام خمینی، ج ۲، ص ۳۳۵) عده زنان در طلاق (طوسی، ج ۴، ص ۱۷۳) و وفات، (حر عاملی، ج ۱۵، ص ۴۴) اجرای حدود الهی، (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۲۶) آغاز بلوغ شرعی، زمان تعلق زکات (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۲۶) و... دارند.

همین نقش کارساز و اساسی ماه در امور معاش و معاد (مجلسی، ج ۵۵، ص ۱۲۴) و دین و دنیای مردم، سبب گردیده مسئله رؤیت هلال، در حوزه تفکر اسلامی جایگاه ویژه‌ای بیابد. فقها، مسائل و فروعی را بر آن مترتب ساخته‌اند، راه‌هایی را فرا روی مردم قرار داده‌اند و در کتاب‌های صوم و حج و یا در رساله‌های مستقل، به کند و کاو در این باره پرداخته‌اند.

بسیاری از اعمال و سنت‌های اسلامی، از جمله فریضه عظیم حج و روزه ماه رمضان، افزون بر جنبه عبادی، جنبه‌های سیاسی و اجتماعی نیز دارند. امت اسلامی، با برگزاری این عبادات، شکوه و اقتدار اسلام و نیز وحدت و همدلی و همگامی میلیون‌ها انسان مسلمان خاضع در برابر اراده خداوند را به نمایش می‌گذارند.

ملیت‌های مختلف، با ویژگی‌های فرهنگی و قومی و نژادی و زبانی گوناگون، در زمان و مکان واحدی گرد می‌آیند و عظمت و شکوه اسلام را به بهترین و زیباترین وجه می‌نمایانند. ولی متأسفانه، گه گاهی، به خاطر ناهماهنگی در ثبوت رؤیت هلال، بر این مراسم ارزشمند و والا، خدشه وارد می‌آید و آثار و پیامدهای نامطلوبی در بین ملل اسلامی، به بار می‌آورد و نوعی سردرگمی و بلاتکلیفی برای مسلمانان، به وجود می‌آورد. مثلاً در سال ۱۳۵۸ ق (۱۹۳۹ م) عید قربان در مصر، دوشنبه، در حجاز سه‌شنبه و در بمبئی، چهارشنبه (با فاصله سه روز اختلاف) برگزار شد.

در سال ۱۳۹۱ ق (۱۹۷۱ م) یکی از مراجع بزرگ تقلید، روز جمعه را عید اعلام کرد و در همان سال، از سوی مراجع دیگر، روز شنبه، عید فطر اعلام شد. (مغنیه، ج ۲، ص ۷۲).

همین گوناگونی رؤیت‌ها و اعلام‌ها، گه گاهی، در مراسم حج و عید قربان رخ می‌دهد و مشکلات جبران‌ناپذیری برای حج‌گزاران به وجود می‌آورد.

در همین راستا، اختلاف و ناهماهنگی در تعیین روز دهم ذی‌حجه و برگزاری اعمال روز عید قربان در مراسم حج برای برخی از قائلان به عدم تعمیم و نیز گروهی از مسلمانان، مشکلات فراوانی را ایجاد می‌کند. همه ساله، گرفتن مراسم جداگانه، در روزهای قبل و یا بعد از آن، از سوی برخی از علماء علاوه بر دردسرهای مشقت‌های فراوان برای خود آنان، اسباب اختلاف و تشتت مسلمانان و بدبینی گروهی از آنان را پدید می‌آورد.

اکنون باید به بررسی پرداخت و منشأ این ناهماهنگی را جست. اینکه گوناگونی افق‌های شهرهای اسلامی یا فاصله طولانی شهرهای مسلمان نشین از یکدیگر، موجب این ناهماهنگی‌ها شده‌اند؟

منهوم رؤیت هلال

رؤیت از «ر.أ.ی» به معنای دیدن و نگاه کردن است؛ همان طور که در قرآن آمده است: «فَلَمَّا

رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» (انعام: ۷۷)

هلال مشتق از «هل» به معنای «بدا و ظهر» یا «صرخ» است و چون مردم هنگام رؤیت آن صدای خود را به فریاد و تکبیر و تهلیل بلند می کردند، به آن هلال گفته اند و «استهل الصبی» از همین باب است، یعنی کودک هنگام ولادت گریه و سر و صدا کرد. (طبرسی، ج ۱۱، ص ۷۱، ماده هل)

در سوره «بقره» آیه ۱۸۹ می فرماید:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» گروهی در مورد هلال ماه از پیامبر اسلام (ص)

پرسش هایی داشتند و از علت و نتایجی که این موضوع در بردارد، جویا می شدند، که قرآن سؤال آن ها را به این صورت منعکس کرده است.

راغب می گوید: هلال که جمع آن هله است به معنای بلند صدا کردن که وقت دیدن ماه و استهلال صبی (گریه کردن کودک) از آن گرفته شده است.

ولی مرحوم طبری در «مجمع البیان» معتقد است که واژه هلال در اصل، از استهلال صبی، یعنی گریه کودک در آغاز تولد گرفته شده سپس برای آغاز ماه به کار رفته است نیز از آنجا که حاجیان صدای خود را برای لبیک بلند می کنند «اهل القوم الحج» گفته می شود. (طبرسی، ج ۲، ص ۲۶)

و در جای دیگر می فرماید: سه شب اول ماه را هلال می گویند و از شب چهارم تا آخر ماه را قمر

می گویند. (طبرسی، ج ۴، ص ۹۲)

و فخر الدین طریحی در تفسیر «غریب القرآن» همین معنا را برگزیده است. (طریحی، ص ۴۸۶)

زبیدی آورده است: هلال یعنی شب اول ماه یا دو شب اول ماه و بقیه شب ها قمر نامیده

می شود. (زبیدی و شیرازی، ج ۱۵، ص ۸۰۸)

در «صحاح اللغة» شب اول تا سوم را هلال دانسته و استهلال را به تبیین و ظهور تفسیر کرده

است؛ چون ممکن است شخصی استهلال کند، ولی هلال را رؤیت ننماید. (صحاح اللغة، ج ۵، ص ۱۸۵)

مرحوم آیت الله خوئی در تعریف هلال می فرماید: هلال عبارت است از خروج آن از

تحت الشعاع به مقداری که قابلیت رؤیت، هر چند در برخی از مناطق را داشته باشد. (رساله حول مسئله

رویه الهلال، ص ۸۴)

بنابراین هلال عبارت است خارج شدن ماه از زیر شعاع به میزانی که دیده شدن آن، امکان پذیر

باشد. دیدن تنها یک راه است و جزء موضوع نیست اگر هلال تحقق یابد و از آن سوی علمی نسبت

به آن پیدا شود، خیال و گمان موضوع تحقق نمی یابد و حکم نیز بر آن مترتب می شود.



❖ رؤیت هلال ماه از نظر فقهای متقدم

علامه حلی:

در «تذکره الفقها» (ج ۶، ص ۲۲) می‌گوید: هرگاه مردم شهری هلال ماه را ببینند و مردم شهر دیگر، آن را نبینند، اگر نزدیک به یکدیگر باشند، مانند بغداد و کوفه، حکم آن‌ها یکی است و بر مسلمانان هر دو شهر، روزه واجب است و همین طور افطار در روز اول شوال. اگر دور از یکدیگر باشند، مانند بغداد و خراسان و حجاز و عراق، هر شهری حکم خاص خویش را دارد. این سخن شیخ است و مورد اعتماد؛ و ابو حنیفه و برخی شافعیان، قاسم، سالم و اسحاق نیز، بر این نظرند. برخی دیگر از شافعیان بر این عقیده‌اند که حکم همه شهرها یکی است. هرگاه، هلال ماه در شهری رؤیت و حکم به اول ماه شد، آن حکم برای همه نواحی معتبر و جاری است، چه دور باشند چه نزدیک، هم افق باشند، یا نباشند. احمد بن حنبل و لیث بن سعد و برخی از علمای ما نیز، همین رأی را دارند.

در این سخن، علامه ضمن تصریح به تعمیم حکم رؤیت هلال به شهرهای نزدیک و تأکید و تأیید نظر فقهای پیشین، یادآور شده که عده‌ای از عالمان سنی و نیز برخی از فقیهان شیعی، به تعمیم نظر داده‌اند. از دید آنان، هرگاه هلال ماه در یکی از شهرهای دارالاسلام رؤیت شد، در دیگر شهرها، حکم به رؤیت هلال می‌شود. (منتهی‌المطلب، علامه حلی، ج ۲، ص ۵۹۲)

علامه حلی در «تحریر الأحكام» (ج ۱، ص ۸۲) نیز این نظر را مطرح کرده و به صراحت بدان فتوا داده است. در میان فقهای امامیه، ظاهراً، علامه اولین فقیه‌ای باشد که نظریه تعمیم را مطرح ساخته و به دفاع از آن برخاسته است. هر چند وی، در کتاب‌های دیگر خود چون: «ارشاد الأذهان الی أحكام الأیمان» (ج ۱، ص ۳۰۳) و «قواعد الأحكام» (ج ۱، ص ۶۹) خلاف آن را برگزیده و مطابق نظر مشهور فتوا داده است. در تذکره نیز آن را به‌عنوان رأی عده‌ای از فقهای عامه مطرح ساخته و به برخی فقهای شیعه نیز نسبت داده، ولی خود، آن را نپذیرفته است.

منظور علامه از: «بعض علمائنا» بدرستی روشن نیست، ولی قدر مسلم، قبل از وی، در میان فقهای شیعه، برخی بر تعمیم نظر داده‌اند. بعد از علامه، فقیهانی که سخن وی را نقل کرده‌اند نیز، مقصود وی از: «بعض علمائنا» را در نیافته‌اند و صرفاً به نقل از وی اکتفا کرده‌اند. علامه در «منتهی‌المطلب» گرچه به صراحت نظریه تعمیم را مطرح ساخته و خود بدان فتوا داده، ولی در زیر عبارت، ابهامی وجود دارد که ظاهراً مخالف و ناهماهنگ با صدر عبارت می‌نماید. (منتهی‌المطلب، ج ۲، ص ۵۹۳)

شیخ طوسی:

شیخ طوسی (۳۸۵ق) در مبسوط، بر همین نظر تصریح دارد. وی در علت این که چرا شهرهای همجوار، یک حکم دارند، می‌نگارد: هنگامی که هلال ماه در داخل شهر دیده نشود و در بیرون شهر، مطابق آنچه قبلاً روشن ساختیم، رؤیت گردد، عمل بر طبق آن واجب است، در صورتی که شهرهایی که ماه در آن‌ها رؤیت شده، نزدیک هم باشند، به گونه‌ای که اگر آسمان صاف و مانعی

در کار نبود، قطعاً در آن‌ها نیز دیده می‌شد، زیرا عرض آن‌ها یکی است و نزدیک به یکدیگرند مانند بغداد و واسط و کوفه و تکریت و موصل. ولی اگر شهرها از یکدیگر دور باشند، مثل خراسان و بغداد و مصر و بغداد، پس هر شهری حکم خاص خویش را دارد و بر اهل شهر واجب نیست به آنچه دیگر شهرها دیده‌اند، عمل کنند.

شیخ، در «النهایه»، از شهرهای دور و نزدیک، سخنی به میان نمی‌آورد، ولی تصریح می‌کند: اگر از خارج شهر، دو شاهد عادل، رؤیت هلال ماه را گواهی دهند، کفایت می‌کند. (النهایه، فی مجرد

الفقه والفتاوی شیخ طوسی، ص ۱۵۱)

علامت ماه‌ها، دیدن هلال است و هرگاه به خاطر علتی در آسمان، هلال ماه اصلاً رؤیت نشود و دو شاهد عادل، در بیرون شهر آن را ببینند و بدان گواهی دهند، روزه واجب است. نظیر این سخن را قاضی ابن براج طرابلسی (۴۰۰ق) از معاصران شیخ طوسی دارد. وی، پس از اشاره به راه‌های ثبوت هلال، رؤیت در خارج شهر و یا شهرهای نزدیک و همجوار را در صورت شهادت دو شاهد عادل کافی می‌داند و در مورد شهرهای دور می‌نویسد: و اما اگر شهرها دور از یکدیگر باشند، همچون: طرابلس و بغداد و خراسان و مصر و بغداد و فلسطین و قیروان (قیروان نام شهر و ولایتی است در لیبی، از توابع بنغازی) و آنچه بر این ضابطه جاری است، هر کدام حکم خاص خویش را دارد و بر مردمان شهرهایی که یاد کردیم، عمل بر اساس رؤیت ماه در شهر دیگر واجب نیست.

(المهذب، عبدالعزیز بن البراج الطرابلسی، ج ۱، ص ۱۹۰)

ابن براج، با ملاک دوری و نزدیکی و ذکر نمونه‌هایی از شهرهای دور و نزدیک، بر این نکته تأکید می‌ورزد که رؤیت هلال ماه، در هر شهری، تنها برای مردمان همان شهر و شهرهای نزدیک بدان کارساز است و ساکنان شهرهای دیگر نمی‌توانند بر این اساس عمل کنند.

شیخ مفید:

شیخ مفید (۴۱۳ق) می‌نویسد: و چه بسا به جهت عارضه‌ای ماه از دیدگان مخفی بماند و یا بر اهل شهری، به خاطر علتی (مانند ابر و غبار) پوشیده گردد، ولی برای غیر آن شهر آشکار شود و لکن، و جوب روزه بر مردمان همان شهر است، زیرا به ثبوت هلال در همان شهر علم داریم و نسبت به شهرهای دیگر چنین علمی نداریم. (مقتعه، شیخ مفید، ص ۲۹۶)

شیخ مفید، در این سخن تصریح می‌کند که رؤیت هلال ماه در هر شهری، تنها برای مردمان همان شهر حجیت دارد. زیرا قدر متیقن، ثبوت هلال ماه در همین شهر است. محقق حلی (۶۷۶ق) می‌نویسد: هرگاه هلال ماه در شهرهای نزدیک به هم، مانند کوفه و بغداد، دیده شود، بر ساکنان آن شهرها، روزه واجب است، ولی در شهرهای دور، چون: خراسان و عراق، خیر. بلکه هنگامی که هلال ماه در آنجا دیده شد، باید روزه بگیرند. (شرایع الإسلام، ج ۱، ص ۲۰۰)

محقق، بر این نظر است که اگر برای مردمان شهری، رؤیت هلال ثابت شود، برای مردمان



شهرهای مجاور، حجیت دارد و باید بر تکالیفی که به خاطر این ثبوت، برعهده آنان می‌آید جامه عمل بپوشند، ولی در شهرهای دور، نظر او، همچون شیخ مفید بر عدم تعمیم می‌باشد.

محقق حلی:

محقق در «شرایع» بین شهرهای مشرق و شهرهای مغرب، به دور از یکدیگر فرق نگذاشته است، لکن از رساله «المسائل الطبریه» وی استفاده می‌شود که: اگر هلال ماه در شهرهای شرقی رؤیت شود، ثبوت آن برای شهرهای غربی، هر چند دور از یکدیگر باشند، کافی خواهد بود. ما نمی‌گوییم که به طور مطلق، هر شهری حکم خاص خویش را دارد. چگونه و حال آن که از امامان (ع) روایت شده که هر گاه، دو نفر شاهد عادل به شهری وارد و خارج می‌گردند، اگر به رؤیت هلال ماه شهادت دهند، روزه واجب است. (تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۱۵۴؛ وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۷، ص ۲۱۰؛ المسائل الطبریه، محقق حلی، ص ۳۲۱)

وی آن گاه با اشاره به سخنان شیخ طوسی، می‌نویسد: اگر علم داشتیم به این که: هر گاه هلال ماه، در شهری رؤیت شد و مانعی از رؤیت هم نبود، قطعاً، در شهرهای دیگر هم رؤیت می‌شود، در این صورت، رؤیت در آن شهر به منزله رؤیت در شهر دیگر هم هست. ولی اگر این دو شهر، دور از یکدیگر بودند، به گونه‌ای که دیگر علم به رؤیت نبود، بدیهی است که نمی‌توان حکم واحدی را در هر دو شهر جاری کرد؛ زیرا تساوی عرض جغرافیایی آن‌ها جز از طریق رصدخانه و منجمان به دست نمی‌آید و این، طریق روشنی نیست و موجب حصول اطمینان نمی‌گردد و نمی‌توان بدان عمل کرد. (المسائل الطبریه، ص ۳۲۲)

شهید اول:

شهید اول (۷۸۶ق) بعد از نقل سخن شیخ، در مورد ثبوت حکم برای شهرهای نزدیک، به صورت احتمال بیان می‌کند: شهرهای نزدیک (از نظر رؤیت هلال) متحدند؛ مانند بغداد و بصره. ولی شهرهای دور، همچون بغداد و مصر، این گونه نیستند. این سخن شیخ است؛ و احتمال دارد ثبوت هلال در شهرهای شرقی، برای شهرهای غربی اگرچه دور باشند، کارساز باشد، زیرا در صورت نبود مانع از رؤیت، قطع به رؤیت پیدا می‌شود. (شهید اول، الدروس الشرعیة فی فقه الأمامیه، ج ۱، ص ۲۸۵)

روشن است که این نظر، مبتنی بر جریان حرکت قمر از مغرب به مشرق و خروج اولین جزء نورانی ماه از محاق در طرف مغرب می‌باشد. شیخ بهایی، با اشاره به احتمال شهید در «دروس» آن را مبتنی بر کرویت زمین دانسته است. به این گونه که از وجود هلال ماه در شهرهای شرقی، علم پیدا می‌شود که در شهرهای غربی به طریق اولی، وجود دارد. (دروس، ج ۱، ص ۲۸۵)

➤ رؤیت هلال ماه از نظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت در تعمیم ثبوت رؤیت هلال به شهرهای دور، اختلاف دیدگاه دارند:

۱. تعمیم؛

۲. عدم تعمیم.

آنان که به تعمیم عقیده دارند، فرقی بین شهرهای دور و نزدیک نمی‌گذارند و ثبوت آن را برای همه شهرهای اسلامی، حجت می‌دانند. آنان که به عدم تعمیم باور دارند، همچون: عکرمه، قاسم، اسحاق و شافعیه، رؤیت را در شهرهای نزدیک به هم، کارساز می‌دانند و در شهرهای دور خیر. (الفقه الاسلامی و ادلته، وهبه الزحیلی، ج ۲، صص ۶۱۰-۶۰۵؛ المغنی، ابن قدامه حنبلی، ج ۳، ص ۷؛ الفقه المنهجي، ج ۲، ص ۷۷؛ مجموعه رسائل، ابن عابدین، ص ۲۲۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۲۹۵؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۲۸۷)

وقتی هلال ماه در یکی از ممالک رؤیت شود، بر مردم سایر ممالک نیز، روزه واجب است. در این مسئله، فرقی بین شهرهای نزدیک و دور نیست. در صورتی که از راه‌های معتبر شرعی رؤیت هلال ماه در شهری به اثبات رسد، برای آنان که در شهرهای دور هستند نیز، حجیت دارد و موجب روزه است. اختلاف افق، در مسئله رؤیت هلال، بی‌هیچ وجه تأثیری ندارد. این نظر سه نفر از ائمه اهل سنت است. ولی شافعیان با این نظر مخالفت کرده‌اند و گفته‌اند: هرگاه رؤیت هلال در جایی اثبات گردد، مردمان شهرهای نزدیک و هم‌افق با آن باید روزه بگیرند، اما این حکم، در مناطق دور دست جاری نیست، زیرا افق همه جا یکسان نیست.

نظیر این سخن را ابن قدامه (المغنی، ج ۳، ص ۷) قرطبی (الجامع لأحكام القرآن، ج ۲، ص ۲۹۵) ابن رشد، (بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۲۸۷) عبدالرحمان الجزیری (الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۵۰) ابن عابدین (مجموعه رسائل، ص ۲۲۹) و... (الفقه المنهجي، ج ۲، ص ۷۷؛ التاج الجامع للأصول، ج ۲، ص ۵۷؛ احیاء علوم الدین، محمد غزالی، ج ۱، ص ۲۳۲) گفته‌اند. با این تفاوت که از عبارت ابن قدامه استفاده می‌شود: ابوحنیفه نیز مانند شافعیان به عدم تعمیم نظر دارد. برخی، تعمیم را به برخی از شافعیان نسبت داده‌اند، نه همه آنان. از عبارت علامه در «تذکره» که در بخش قبل بدان اشاره شد، استفاده می‌شود که ابوحنیفه و برخی شافعیان، با تعمیم مخالفند. (تذکره الفقهاء، علامه حلی، ج ۱، ص ۲۶۹) قدر مسلم، اهل سنت در مسئله رؤیت هلال ماه و جواز تعمیم و یا عدم تعمیم آن به دیگر شهرهای دور، رأی واحد ندارند. دکتر وهبه الزحیلی در «الفقه اسلامی و ادلته» می‌نویسد ابن حجر شش قول در مسئله بیان کرده است. تفاوتی که در این مسئله بین اینان و شیعه وجود دارد، این که: بیشتر نشان بر این نظرند که وقتی رؤیت ماه در شهری از شهرهای حوزه اسلامی ثابت شد، دیگر شهرها را هم در بر می‌گیرد چه دور و چه نزدیک؛ اما بیشتر فقهای شیعه بر این دیدگاهند که خیر در بر نمی‌گیرد. شافعیان برای اثبات نظر خویش، به روایاتی، که مهم‌ترین آن‌ها روایت «کریب» است، استناد جسته‌اند. (الفقه اسلامی و ادلته، ج ۲، ص ۶۰۹)



❖ رؤیت هلال ماه در روایات

روایاتی که بر عدم تعمیم حکم ثبوت هلال ماه به شهرهای دور، مورد استناد واقع شده اند چند دسته اند:

الف. روایات رؤیت هلال

ماه رمضان، با رؤیت هلال ماه آغاز می گردد و با رؤیت هلال نیز پایان می رسد، این معنی در بسیاری از روایات تصریح شده است، از جمله:

«صُمْ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطِرْ لِلرُّؤْيَةِ» (وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۷، ص ۱۸۶)

«صُومُوا لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطِرُوا لِلرُّؤْيَةِ» (وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۷، ص ۱۸۳)

«إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَيْلَالَ فَصُومُوا وَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا» (وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ص ۱۸۲)

«إِنَّهُ لَيْسَ عَلَيَّ أَهْلُ الْقِبْلَةِ إِلَّا الرُّؤْيَةُ وَ لَيْسَ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا الرُّؤْيَةُ» (مرآة العقول، محمدباقر مجلسی،

ج ۱۶، ص ۲۲۹)

به این مضمون، روایات دیگری نیز که در میان آن ها روایات صحیحه و موثقه هم وجود دارد، در کتاب های روایی نقل شده است (وسایل الشیعه، ج ۷، باب ۳، از ابواب احکام شهر رمضان) مفاد همه این روایات، اجمالاً آن است که ملاک، در آغاز و انجام ماه، رؤیت هلال است و امر به وجوب صوم، معلق و مشروط به رؤیت هلال است. پس در افقی که ماه رؤیت نمی شود، ماه رمضان، به وقوع نپیوسته است. البته در ناحیه های نزدیک محل رؤیت هلال ماه، می شود به ثبوت ماه اطمینان پیدا کرد، ولی در شهرهای دور دست، خیر. روایات منصرف از شهرهای دور از محل رؤیت است، زیرا متبادر از تعلیق وجوب به رؤیت، در این روایات، رؤیت در شهر است.

محقق سبزواری می نویسد: «لِأَنَّ الْمُتَبَادَرَ مِمَّا عَلَّقَ الْوُجُوبَ بِالرُّؤْيَةِ فِيهَا الرُّؤْيَةُ فِي الْبَلَدِ أَوْ مَا فِي حُكْمِهِ وَ

إِنْ كَانَ ظَاهِرُ اللَّفْظِ الْعُمُومَ» (ذخیره المعاد، ص ۵۳۲)

متبادر از تعلیق وجوب به رؤیت هلال ماه، در این روایات، رؤیت در همان شهر و یا جائی که به حکم آن شهر است می باشد. گرچه ظاهر لفظ، عمومیت دارد. به عبارت دیگر، درست است که روایات (رؤیت)، به طور مطلق، رؤیت هلال ماه را علامت داخل شدن ماه رمضان و یا ماه شوال دانسته اند، ولی اطلاق آن ها از شهرهای دور از محل رؤیت انصراف دارند و شامل آن ها نمی شود.

(الفقه، سید محمد شیرازی، ج ۳۶، ص ۱۹۶)

در دلالت این دلیل نیز خدشه کرده اند. زیرا دلیلی بر انصراف این روایات به محل رؤیت هلال ماه و شهرهای نزدیک و هم افق آن، وجود ندارد. بر این نکته، بسیاری از فقها تصریح کرده اند.

(مستند عروه، ج ۲، ص ۱۲۰؛ مستمسک عروه، ج ۸، ص ۴۷۰؛ وافی، ج ۱۱، ص ۱۲۰)

ب. روایات شهادت به رؤیت

از جمله راه‌های ثبوت ماه، شهادت به رؤیت هلال ماه است. از روایات فراوانی استفاده می‌شود، اگر بر اثر وجود ابر و یا گرد و غبار و مه غلیظ و... رؤیت هلال میسر نگردد، ولی دو شاهد عادل در قسمت دیگری از شهر و یا در بیرون شهر، ماه را ببینند و بدان گواهی دهند، ماه ثابت می‌شود. (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۹۲) امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِذَا كَانَتْ فِي السَّمَاءِ عَلَيْهِ قَبْلَتْ شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ يَدْخُلَانِ وَ يَخْرُجَانِ مِنْ مِصْرٍ» (همان، ص ۲۰۹)

و اگر در آسمان مانعی از رؤیت هلال باشد، شهادت دو عادل، که داخل شهر و یا خارج می‌شوند، پذیرفته است. دستاوردهای علمی در زمینه نجوم و علوم فلکی و ستاره‌شناسی نیز نشان می‌دهد که با خروج اولین جزء طرف روشن ماه از تحت الشعاع، ماه قمری آغاز می‌گردد و در این حالت، هلال ماه در قسمت‌های زیادی از کره زمین و تا فاصله‌ای که اختلاف افق بین آن‌ها بیش از نه ساعت نباشد و یا به گونه‌ای نباشد که شب و روز تفاوت کند، برای مردم قابل رؤیت است.

همین مضمون، در روایت حبیب خزاعی نیز آمده است. گرچه ظاهر این روایت و امثال آن، مطلق است و مقید به شهرهای نزدیک نیست، ولی با توجه به فضای صدور روایات که در آن زمان ورود و خروج افراد به شهر، معمولاً از فاصله‌های نزدیک بوده و از شهرهای دور، مبادله چنین اخباری بعید و غیر معمول و بلکه با وسایل آن روز، در فاصله کم، غیر مقدور بوده است، منظور، رؤیت هلال ماه، در اطراف همان شهر و یا شهرهای نزدیک و هم‌افق آن باشد. (وافی، ج ۷، ص ۱۲۰) عرف و عادت حکم می‌کند: شهادت به رؤیت هلال، از شهرهای نزدیکی همچون مکه برای مدینه و یا کوفه برای بغداد باشد. زیرا مسافرت از شهرهای دوری مانند بلخ و مرو و بخارا به کوفه و مدینه، چندین ماه طول می‌کشید. مسافرانی که در بلخ، هلال ماه را دیده بودند، وقتی به مدینه وارد می‌شدند، ماه تمام شده بود و ذهن مردم، به کلی از مسئله روزه‌داری منصرف و به امور دیگری معطوف شده بود. اصلاً دیگر کسی در مورد رؤیت هلال از کسی چیزی نمی‌پرسید؛ و چه بسا، فراموش کرده بودند که اول ماه کی بوده است! بله، این روایت و امثال آن، به نحو مطلق، شهادت به رؤیت هلال را برای ثبوت ماه کافی می‌دانند. همچنین روایت صحیح‌ه منصور بن حازم و صحیح‌ه هشام بن حکم، به طور مطلق، امر به قضای روزه شده است، در صورتی که دو نفر عادل شهادت دهند که ماه سی روزه بوده و یا روز قبل، ماه را دیده‌اند؛ ولی با توجه به قرائنی که به آن‌ها اشاره کردیم، اطلاق آنان منصرف به شهرهای نزدیک به هم است.

بر این نیز، خدشه وارد شده است، زیرا دلیلی بر انصراف وجود ندارد و نمی‌توان به استناد به اموری همچون: کندی مسافرت در آن روزگار و مسائل عرفی دیگری نظیر آن، بدون در دست داشتن دلیلی روشن، دست از اطلاق روایات برداشت، به‌ویژه در برخی روایات شهادت، تصریح شده است: «يَدْخُلَانِ الْمِصْرَ وَيَخْرُجَانِ» بر همین اساس، بسیاری از فقیهان دعوی انصراف را مردود



دانسته‌اند. آیت‌الله خویی می‌نویسد: «و دعوی الإنصراف الی اهل البلد کما نری، سیما مع التصریح فی بعضها بان الشاهدین یدخلان المصر و یخرجان، کما تقدم، فهی طبعاً تشمل الشهاده الحاصله من غیر البلد لإطلاقها» (مستند عروه، ج ۲، ص ۱۲۰)

ادعای انصراف اطلاق روایات به اهل شهر، باطل است. به‌ویژه در بعضی از آن‌ها تصریح شده است که دو شاهی که به شهر داخل و یا از شهر خارج می‌شوند طبعاً چنین شهادتی، شامل شهادت از غیر آن شهر و شهرهای دیگر هم شود، چون مطلق است.

نتیجه‌گیری

در مسئله جواز تعمیم رؤیت هلال به دیگر شهرهای اسلامی، بین فقهای اسلام اختلاف است و دو قول عمده در مسئله ابراز شده: قول مشهور، اعتقاد به ثبوت رؤیت هلال در شهر محل رؤیت و شهرهای مجاور و هم‌افق، نه دیگر شهرها. قول غیر مشهور، اعتقاد به تعمیم ثبوت رؤیت هلال به تمامی شهرهای اسلامی، چه دور و چه نزدیک، چه هم‌افق و چه غیر هم‌افق. در میان فقهای عامه نیز اختلاف است. مشهور معتقد به تعمیم هستند. ابوحنیفه و برخی از شافعیه همچون مشهور فقهای شیعه نظر دارند. در منابع روایی، سخنی از پیامبر و ائمه^(ع) در مورد شهرهای نزدیک و دور و مسئله تعمیم و یا عدم تعمیم رؤیت هلال، وجود ندارد. آنچه هست، در مورد بیان راه‌های ثبوت هلال و طرق معتبر شرعی است. نظریه تعمیم، در میان فقهای شیعه بیشتر از زمان مرحوم علامه به بعد پیدا شده و در میان معاصرین، طرفداران بیشتری پیدا کرده است. مسئله نزدیکی و دوری شهرها، که مبنای قول به عدم تعمیم است، ضابطه و تعریف مشخصی ندارد و در مورد میزان نزدیکی و دوری شهرها، آراء و نظریه‌های گوناگونی ابراز شده است. برای نظریه مشهور، دلایلی اقامه شده که مهم‌ترین آن، قیاس طلوع و غروب قمر، به طلوع و غروب خورشید و مسئله اختلاف افق‌هاست. وضعیت تکوینی ماه و حرکت آن با حرکت زمین و طلوع و غروب خورشید، تفاوت دارد و قیاس رؤیت هلال، به طلوع و غروب خورشید، قیاس مع‌الفارق است. خروج ماه از محاق، امر واحدی بیش نیست و تا فاصله‌ای که اختلاف افق بین شهرها به اندازه‌ای نباشد که شب و روز با هم فرق کند، برای همه، با اندک تفاوتی قابل رؤیت و برای همه آن شهرها اول ماه است. طرفداران نظریه عدم تعمیم، در میان اهل سنت نیز، برای اثبات نظر خویش دلایلی اقامه کرده‌اند که مهم‌ترین آن، روایت «کریب» است که از نظر سند و دلالت، نمی‌شود به آن اعتماد کرد. طرفداران نظریه تعمیم، علاوه بر بهره‌گیری از وضعیت تکوینی ماه و نیز مسئله وحدت خسوف، به اطلاق روایات و آیه شریفه استدلال کرده‌اند. افزون بر دلایلی که برای قول به تعمیم اقامه شد، به دلایلی تبرعی و مستنداتی که بر نظریه تعمیم تأکید می‌کند نیز، استناد شده است.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن عابدین، محمد امین بن عمر (۱۲۵۲-۱۱۹۸ ه. ق.)، بیروت: مجموعه رسائل،
۳. ابن قدامه، ابو محمد عبدالله بن احمد (۶۲۰-۵۴۱ ه. ق.)، المغنی، تحقیق طه محمد الزینی، قاهره، ۱۳۸۸ ق
۴. ابن منظور. جمال الدین (۱۴۰۵ ق.)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه
۵. انصاری قرطبی. محمد بن احمد (بی تا)، الجامع الأحكام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد ۲،
۶. بغدادی. صفی الدین عبدالمؤمن (بی تا)، مراد الأطلاع، علی اسماء الأمکنه والبقاع مختصر معجم البلدان لیاقوت، تحقیق علی محد البجاوی، بیروت: دارالمعرفه، جلد ۳
۷. جزیری عبدالرحمان (۱۴۰۶ ق.)، الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد ۱
۸. جمال الدین ابن منظور (۱۴۰۵ ق.)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ عبدالغفور. احمد (۱۴۰۷ ق.)، صحاح اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین
۱۰. حر عاملی. محمد بن الحسن (۱۴۱۱ ق.)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت
۱۱. حسینی تهرانی. محمد حسین (بی تا)، رساله حول مسئله رویه الهلال، نشر حکمت
۱۲. خمینی. روح الله (۱۳۸۵)، تحریر الوسیله، بیروت: دارالتعارف، جلد ۱
۱۳. راغب اصفهانی. حسین بن محمد (۱۴۰۴ ق.)، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب.
۱۴. زبیدی. سید محمد مرتضی؛ شیری. علی (۱۴۱۴ ق.)، تاج العروس، بیروت: دارالفکر
۱۵. زحیلی. وهبه (۱۴۲۲)، الفقه الاسلامی وادلته، دمشق: دارالفکر
۱۶. شهید اول (بی تا)، الدروس الشریعه فی فقه الأمامیه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، جلد ۱
۱۷. شیخ طوسی. ابو جعفر محمد بن حسن بن علی (۶۰)، تهذیب الاحکام فی شرح القنعه، به کوشش علی آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۱۸. شیخ طوسی. ابو جعفر محمد بن حسن بن علی (بی تا)، النهايه، فی مجرد الفقه والفتاوی شیخ طوسی، بیروت: دارالکتب العربی
۱۹. شیخ طوسی. ابو جعفر محمد بن حسن بن علی (بی تا)، تهذیب الأحکام، بیروت: دارالتعارف، صعب، جلد ۴،
۲۰. شیخ بهایی (۱۴۰۸ ق.)، رساله اثنی عشریه فی الصوم، چاپ شده در مجله (تراثنا)، شماره ۲، سال سوم
۲۱. طباطبایی، حکیم سید محسن (۱۳۹۰ ق.)، مستمسک العروه الوثقی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی
۲۲. طبرسی. ابو علی فضل بن الحسن (۱۴۱۵ ق.)، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۲۳. طبرسی. ابو علی فضل بن الحسن (۱۴۱۵ ق.)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۲۴. طرابلسی. عبدالعزیز بن البراج (بی تا)، المهذب، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، جلد ۱
۲۵. طریحی. فخرالدین (بی تا)، تفسیر غریب القرآن، قم: انتشارات زاهدی
۲۶. طوسی. ابو جعفر محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۱ ق. فرز ۱۹۸۱ م)، تهذیب الاحکام، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف،
۲۷. علامه حلی. حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، ارشاد الأذهان الی أحكام الأیمان، قم: انتشارات اسلامی، جلد ۱
۲۸. علامه حلی. حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، تذکره الفقهاء، قم: مکتبه مرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، چاپ اول.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، نهايه الأحکام فی معرفه الأحکام، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، جلد ۲
۳۰. علامه حلی. حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶-۶۴۸ ق.)، تذکره الفقهاء، قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت^(ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ ق
۳۱. علامه حلی. حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، تحریر الأحکام، مشهد: مؤسسه آل البيت، جلد ۱
۳۲. علامه حلی. حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، قواعد الأحکام، قم: منشورات رضی، جلد ۱،
۳۳. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۰۹۱-۱۰۰۷ ق.)، الوافی، منشورات مکتبه الامام امیر المؤمنین^(ع) العامه، ۱۳۶۸ ق
۳۴. قرطبی. محمد بن رشد (بی تا)، بدایه المجتهد، بیروت: دارالمعرفه، جلد ۱
۳۵. کلینی رازی. محمد بن یعقوب (۱۴۰۳ ق.)، الکافی، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف
۳۶. مجلسی. محمد باقر (بی تا)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، جلد ۵۵،
۳۷. مجلسی. مولی محمد باقر (بی تا)، مرآه العقول، قم: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۱۶
۳۸. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (بی تا)، شرایع الإسلام، بیروت: دارالأضواء، جلد ۱
۳۹. مغنیه. محمد جواد (بی تا)، فقه الأمام جعفر الصادق، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، جلد ۲

